

نویسنده: بلویسکی «Bluesky».

منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2025-01-24».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

سرمایه داری گوشی های هوشمند و اصلاح نژادی است

Capitalism is Smartphones and Eugenics



عکاسی توسط نیک فنچر

ما وارد عصر گوشی های هوشمند و اصلاح نژاد شده ایم. **ترامپ** با عصبانیت فریاد زد: "آنها دارند گربه می خورند، دارند سگ می خورند. بازتاب کلماتی که می توانست توسط یک کلنل من [یک گروه تنفرآمیز مسیحی به رهبری پروتستان آمریکایی، برتری طلب سفید پوست، و گروه نفرت افراطی است]. **تفصیل توسط این قلم** [1] در اوایل دهه 1920 بیان شود، اما اکنون همان سطح سمیت (زهر) به خانواده ها در سرتاسر جهان منتشر شده است برای هرکسی که شکم اش تحمل آن زهر را داشته باشد [1] بنابراین اکنون بسیاری تقریباً از هر جایی به اطلاعات در مورد رویدادهای روی زمین دسترسی دارند، جایی که ما می توانیم با آن ها ارتباط برقرار کنیم، پول بفرستیم، و اخبار رویدادهای سیاسی مختلف را به دلیل وسایل موجود در جیب مردم منتشر کنیم، و با این حال، هیچیک از اینها تغییری در این زمینه ایجاد نمی کند. این واقعیت است که تمام درختان و شجره خانواده

در مکان‌ها بی‌مانند فلسطین پاک شده اند. هیچ مقدار پخش با شکل‌ها ایموجیها/بموجی‌ها نمادهای بصری هستند که احساسات انسان، موجودات زنده، اشیاء و مفاهیم نمادین را به تصویر می‌کشند. آنها به طور گسترده در سراسر اینترنت، از جمله پیام‌های متنی و پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند، و امکان برقراری ارتباط بیانی فراتر از متن ساده را فراهم می‌کنند... **تفصیل توسط این قلم** / یا اشکالی نمی‌تواند بی‌رحمی محاصره اسرائیل را نفی کند، شکلی پیشرفته از قصد نسل‌کشی و کشتار، با هواپیماهای بدون سرنشین از آسمان، اما با این وجود باز هم یک نسل‌کشی است. [2]

R. Palme Dutt، نظریه پرداز مارکسیست در دوران جنگ در اروپا، به پویایی‌های مشابیهی در عصر خود اشاره کرد، یعنی برخورد پیشرفت به اصطلاح فناوری با زوال تمدن و وحشت قریب الوقوع.

در آن زمان، ظرفیت‌های تولیدی اروپا در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به شدت گسترش یافته بود. تولید عمده و صنعتی‌سازی سرانجام منجر به ظرفیتی در اکثر جوامع غربی، از جمله ایالات متحده، برای حل مسائل گرسنگی و گرسنگی شد. با این حال، کشورها تصمیم گرفتند تا از شر غذای "مازاد" خود خلاص شوند، آن را بسوزانند و بخشی از آن را به نزدیکترین اقیانوس بریزند.

او در آن زمان اظهار داشت: «سوختن میلیون‌ها کیسه قهوه یا تن غلات، در بحبوحه گرسنگی و فقر، جهان را به وحشت انداخته است. [3] در بخش‌هایی از جهان مستعمره، سیاست‌گذاران اروپایی عمداً کالاهای اساسی غذایی مانند برنج و غلات را برای حفظ سطوح بالای قیمت‌ها برای چنین محصولاتی به کار می‌برند که در این فرآیند منجر به گرسنگی گسترده در مکان‌هایی مانند بنگال می‌شود. قبل از استعمار اروپا، قحطی پدیده نادر بود. حتی در دوران فتودالی، مقامات محلی، هر چند مستبد و تحقیرکننده، انبوهی از غلات را کنار گذاشته بودند تا توده‌ها را در مواقع سختی سیر کنند تا از ناآرامی جلوگیری کنند. اما همه اینها از لحظه ورود کشتی‌های بریتانیایی و به دنبال آن فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها تغییر کرده بود، که همگی وقف برداشتن سود از هر وجب زمین و شخص بودند، از تاجر گرفته تا دهقان. [4]

برخورد با غذا به عنوان یک کالا به جای برآوردن نیازهای انسان، یکی از ویژگی‌های معمول سیستم جهانی ما است. تنها یک ماه یا بیشتر از همه‌گیری گذشته بود که کشتا و ریزان در سراسر ایالات متحده مجبور شدند که به هکتارها زمین‌های تولید غذای "اضافی" را از بین ببرند. در صحنه‌هایی که یادآور رکود بزرگ بود، کشاورزان لبنیات شیر تازه گاو را در دریاچه‌هایی ریختند (3.7 میلیون گالن در روز در اوایل آوریل، در حال حاضر حدود 1.5 میلیون در روز)، کشتا و ریزان گراز و مرغ هزاران خوک و مرغ را سقط کردند و محصول را به دست آوردند. تولیدکنندگان هکتارها سبزیجات را در زمین

شخم زدند که زنجیره تامین مواد غذایی شکننده و بی‌نظم کشور شروع به کار کرد. بشکند و متلاشی شود.» [5]

در سال 2008، ژاپن، یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا، برنامه‌هایی برای «ریختن» برنج اضافی در بخش‌هایی از آسیا برای کاهش ناامنی غذایی داشت. ایالات متحده مخالف این بود، دلیل شماره یک این بود که می‌توانست تقاضا برای برنج را در بازارهای مصرف کاهش دهد و به قیمت برنج "کم شود". یک گزارش نیویورک تایمز، کهنه‌ای معتبر برای نخبگان «نگران»، در آن زمان بیان کرده بود: «اگر ژاپن با فروش بیشتر یا کمک‌های مالی از 1.7 میلیون تن برنج وارداتی که اکنون به زبان ژاپنی است، این اثر را بیشتر نشان دهد. انبارها سالانه تقریباً 30 میلیون تن برنج در سطح جهان مبادله می‌شود.» [6] همانطور که دات نسل‌ها پیش این را فهمیده بود، در هم‌آهنگ پیشرفت، به عنوان ظرفیت تولیدی برای ایجاد دنیا بی‌بسیار غنی‌تر از آنچه تصور می‌شد، همراه با آنچه که او توصیف کرد. به عنوان «فروپاشی»، مشکل از دست دادن روح بشریت در عصر مدرن نبود. این مشکل پیشرفت تکنولوژی نبود که سطح همدلی ما را با یکدیگر فاسد کند یا چیزی فلسفی با این ماهیت بلکه محصول مستقیم بی‌نظمی و بی‌عقل‌گرایی سرمایه‌داری است که اکثریت عظیم بشریت را مجبور به تحمل می‌کند. امروز آنها گندم و غله را می‌سوزانند که وسیله زندگی بشر است. فردا اجساد انسان‌های زنده را خواهند سوزاند. ناامید برای فتح بازارهای جدید [7]. بخش اعظم جهان توسط امپراتوری بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده ساخته و تصرف شده بود و کشورهای تازه صنعتی مانند ایتالیا و آلمان از حق محدود خود به عنوان اروپایی‌ها برای تسلط و کنترل بر بخش‌هایی از آفریقا و آسیا ناامید شده بودند. این یکی از دلایل اصلی تسریع جنگ بود، و فاشیسم محصول این خشم فزاینده نسبت به انکار مردم آلمان و ایتالیایی‌ها و ژاپنی‌ها از دسترسی به مستعمرات بیشتر و سرزمین‌های خارج از کشور بود که می‌توانستند وحشیانه از آنها برای افراط استفاده کنند. سود و منفعت [8].

از طریق سرمایه‌داری، چیزهایی مانند رشد اقتصادی، رقابت، و انگیزه برای چیزهای بیشتر در برابر آنچه که بشریت واقعاً برای وجود خود به آن نیاز دارد، از صلح و امنیت گرفته تا دسترسی جهانی به غذای سالم، مسکن و سرگرمی در اولویت قرار می‌گیرد. این پویایی پوسیده در ایالات متحده و کشورهایهایی که برای متحد شدن با آنها انتخاب می‌کند، برجسته‌ترین بوده است، مانند کره جنوبی، جایی که در بالاترین سطح مولکولی، زندگی روزمره ما به شبکه‌ای ثابت از استرس و هرج و مرج تبدیل می‌شود. دیگر چگونه می‌توان توصیف کرد که با این همه فراوانی ادعایی احاطه شده‌اید، و در عین حال، دسترسی مداوم به آن بر اساس میزان درآمدها را ندارید، حتی در لحظات حساس، مانند زمانی که به شدت بیمار هستید، از این دسترسی محروم می‌شوید. **شارون ژانگ** در Truthout تنها چند سال پیش نوشت: «گزارش جدیدی که توسط دفتر پاسخگویی دولت ایالات متحده (GAO) انجام شد، نشان داد که قیمت دارو در ایالات متحده به طور متوسط حدود دو تا چهار برابر بیشتر از استرالیا، کانادا و فرانسه است.» [9] برخی از اینها تغییر کرده است، اما فقط برای برخی داروها، مانند انسولین، اما حتی در آن زمان، آمریکا بی‌ها به

دلیل این سیستم احمقانه جان خود را از دست داده اند که به موجب آن شما یا پول دارید که به این افراد خصوصی بدهید. نهادهایی که این منابع و خدمات ضروری را احتکار می کنند، یا شما مجبور هستید برای کمک به پرداخت هزینه های داروهای نجات دهنده کمک کنید. [10] این عاقل چگونه است، چه رسد به اخلاق؟

بسیاری از ما زندگی خود را با این سطح از نصب و یا داشتن فشار می گذرانیم. یا دسترسی محدودی به اساسی ترین چیزهایی که باید نیاز داشته باشیم داریم، به عنوان کارمند، به عنوان مصرف کننده گانی که می توانند سطحی از درآمد را در یک شبکه کار پاره وقت و تمام وقت حفظ کنند، یا همه آن را در عرض چند هفته از دست می دهیم. ، شاید ماه ها، اگر اینقدر خوش شانس باشیم. یا که یک لحظه بتوانیم پشت کامپیوتر یا در صندوق، بایگانی به تهیه گزارش باشیم، گزارش ها را ثبت کنیم، اقلام را بدون فکر از طریق بارکد اسکنر اجرا کنیم، و در لحظه دیگر، در اتاق خواب خود پنهان شده که صدایی از پشت در آپارتمان که ما را صدا می زند، درست قبل از آن. اخطار اخراج دیگری که برای ما زده میشود.

این به نفع «عقلانی» است که باعث ایجاد این سطح از آشفتگی و درد و وحشت در زندگی ما توسط مشاغلی شود که اجازه دارند بر میزان کار، میزان مالکیت و زمان برای خودمان بودن تسلط داشته باشند و کنترل کنند. بیکاری شرط لازم برای رونق سرمایه داری است. برای اینکه کارفرمایان خصوصی سطح فزاینده ای از سود خود را حفظ کنند، باید به طور فخرآمیز "مردم را رها کنند"، آنها را قطع کنند. هرگز نمی توان اشتغال کامل داشت، زیرا سرمایه داران به سطحی از افراد بدون شغل نیاز دارند و می خواهند تا در صورت شروع ناآرامی ها، همیشه بتوانند کارکنان فعلی خود را جایگزین کنند و با این تهدید، دستمزدها را پایین بیاورند. **ریچارد ولف**، اقتصاددان می گوید: «سرمایه داری باعث می شود اشتغال عمدتاً به تصمیمات سرمایه داران برای انجام تولید وابسته باشد و این تصمیمات به سود بستگی دارد. اگر سرمایه داران انتظار سود بالایی داشته باشند تا رضایت آنها را جلب کند، استخدام می کنند. اگر سرمایه داران این کار را نکنند، بیکاری می گیریم. سرمایه داری مستلزم آن است که بیکاران، خانواده ها و جوامعشان با تصمیم های اخراج سرمایه داران زندگی کنند، حتی اگر از مشارکت در آن تصمیم ها محروم باشند.» [11] جوامع باید تحمل کنند (مانند جنایت)، و با این حال، این ملاحظات به سختی مورد توجه قرار می گیرند، زیرا چراغ راهنمای اصلی این است که کیف پول یک مرد چقدر می تواند سنگین باشد.

دات «Dutt» همچنین از این صحبت کرد که چگونه سرمایه داران بزرگ، درست در زمانی که اقتصاد سرمایه داری جهانی از طریق افزایش سوسیال دموکراسی در حال تثبیت بود، تصمیم گرفتند کارگرانی را که احساس می کردند به آنها نیاز ندارند، تخلیه کنند و بار دیگر بی نظمی و آشفتگی سیاسی را بکارند. او اظهار داشت: «میلیون ها میلیون ها نفر به عنوان «زائد» کنار گذاشته می شوند. [12] با این حال، هیچ یک از اینها نمی تواند با آشفتگی ترین و بی نظم ترین نتیجه همه مقایسه شود: تغییر آب و هوا. به معنای واقعی کلمه، حق کسب ثروت برای شرکت ها و کشورهای عمدتاً غربی دلیل افزایش آب ها در سراسر جهان

بوده است، چرا زمین‌های زیادی برای رشد مواد غذایی چالش برانگیزتر شده اند، چرا دمای هوا به سطوح خطرناکی بالا می‌رود. اکثریت جمعیت جهان را تهدید می‌کند. [13] نیاز به دیدن فلش‌های قرمز به سمت بالا بر روی نمودارهای رونمایی شده در اتاق‌های هیئت مدیره در سراسر اروپا و ایالات متحده دلیلی است که بشریت در آستانه انقراض است.

اربابان هرج و مرج

تنها در جوامع سرمایه‌داری، اراذل و اوباش مانند ترامپ و بولسونارو می‌توانند فضایی را پیدا کنند تا نه تنها چروک شوند، بلکه رشد کنند و در کرسی‌های اصلی قدرت مانور دهند. در زمان کار اصلی دات، فاشیسم و انقلاب اجتماعی، که قبل از وحشت جنگ جهانی دوم منتشر شد، خود فاشیسم قبلاً به یک پدیده جهانی تبدیل شده بود و قدرت دولتی را در ایتالیا، آلمان، ژاپن تسخیر کرده بود و تهدید به انجام آن در ایالات متحده می‌کرد. جاهای دیگر البته، خود ایالات متحده، اگرچه صراحتاً توسط یک حزب فاشیست اداره نمی‌شد، اما در گیرودار برتری سفیدپوستان و منافع استعماری باقی ماند. در جزایر بریتانیا نیز همینطور بود، با چهره‌هایی مانند وینستون چرچیل که قبلاً نفرت خود را از سیاه‌پوستان و قهوه‌ای‌ها ابراز می‌کردند و مشتاق بودند که دولت بریتانیا پول و پشتیبانی فنی را پشت هر جنبش ملی‌گرای راست‌گرای تندرو که تصور می‌شد برای خنثی کردن موج فزاینده‌ی این کشور، سرآزیر کند. «بلشویسم» در بخش‌هایی از اروپای شرقی.

ظهور فاشیسم و سایر اشکال افراطی ترور نژادی (یعنی جیم و جین کرو) همه چیز را با سرمایه‌داری و چگونگی ایجاد عناصر ناکارآمدی اجتماعی، عمداً یا ناخواسته، مرتبط بود. در یک سطح، به دلیل هرج و مرجی که خود سرمایه‌داری ایجاد می‌کند و طبقات مختلف تحت تأثیر چنین هرج و مرج، خود مردم می‌توانند در بسیاری از موارد از امتیازات از دست رفته به سمت جنبش‌های سیاسی راست افراطی رانده شوند. همانطور که **دات** توضیح می‌دهد، در زمان بحران‌های اقتصادی، هیچ‌کس در امان نبود. حتی آنهایی که به این باور رسیده‌اند که «طبقه متوسط» هستند، یک مفهوم خالی بی‌معنی که برای مخفی کردن موقعیت طبقاتی واقعی یک فرد طراحی شده است (شما می‌توانید شش رقم کسب کنید و همچنان کارمندی باشید که به شغل خود وابسته است)، می‌توانند شروع به احساس زمین‌کنند. آنها می‌لرزند. با این حال، از آنجایی که چنین عناصری از جامعه از نظر فکری توسعه یافته‌اند تا فکر کنند حق بیشتری دارند و بهتر از دیگران هستند، در بسیاری از نمونه‌ها، چنین گروه‌هایی به جای همبستگی علیه سیستم استثمار و استثمار مذکور، به افراد پایین‌تر یا اطراف خود حمله می‌کنند. نتایج ناعادلانه **دات** توضیح می‌دهد که این بیشترین مسئله است، وقتی جوامع فاقد یک جنبش کارگری قوی است که رادیکال و بین‌المللی باشد، که بتواند خشم کارگران یقه سفید و گاهی، حتی صاحبان مشاغل کوچک، را به چیزی بسیار مولدتر برای خود و دیگران هدایت کند. در چارچوب آمریکا، ظهور برتری آشکار سفیدپوستان در نهایت مورد استقبال سرمایه‌داران مختلف قرار گرفت، زیرا این به معنای نیرویی بود که می‌توانست بر جنبش‌های سوسیالیستی یا آزادی‌خواهانه‌تر که

به دنبال رهایی توده‌های سیاه پوست و سایر گروه‌های غیرسفید پوست از موقعیت خود به عنوان شدیداهستند، سرکوب کند. قابل بهره برداری و به عنوان یک پایگاه مصرف کننده برای خدمات و کالاهای مجزا، اغلب اوقات فراتر از حد. [14]

اما حتی این آخرین نکته نیز به سیستم اقتصادی گسترده تر مربوط می‌شود. در ایالات متحده، قدرت سیاسی و گفتار اساساً با پول و ثروت مرتبط است. اگرچه از لحاظ فنی، همه گروه‌های مدنی و ذینفع مختلف می‌توانند در لابی کردن نهادهای دولتی شرکت کنند، در اکثر موارد، کسانی که بیشترین پول را دارند می‌توانند به طور مؤثر سیاست‌ها را با سرعت بیشتری شکل دهند و بتوانند ارتش و کلا خود را در هر موضوعی قابل تصویری رها کنند. بحث سیاست در کابینول هیل.

دانشمند علوم سیاسی، **لی دراتمن**، در یکی از مقالات نادر اقیانوس اطلس می‌نویسد: «شرکت‌ها در حال حاضر حدود 2.6 میلیارد دلار در سال برای هزینه‌های لابی‌گزارش شده خرج می‌کنند - بیش از «2» میلیارد دلاری که ما برای تأمین مالی مجلس نمایندگان (1.18 میلیارد دلار) و سنا هزینه می‌کنیم. (860 میلیون دلار). این شکافی است که از زمانی که لابی‌شرکتی شروع به فراتر رفتن منظم از بودجه مجموع مجلس و سنا در اوایل دهه 2000 کرد، افزایش یافته است. امروزه، بزرگ‌ترین شرکت‌ها بیش از 100 لابی‌گر دارند که به آنها اجازه می‌دهند همیشه و همه جا حضور داشته باشند. به ازای هر دلاری که برای لابی کردن اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های دارای منافع عمومی با هم هزینه می‌شود، شرکت‌های بزرگ و انجمن‌های آنها اکنون ۳۴ دلار خرج می‌کنند. از 100 سازمانی که بیشترین هزینه را برای لابی کردن می‌کنند، 95 سازمان به طور مداوم تجارت را نمایندگی می‌کنند. [15]

اما فراتر از کانال‌های سیاسی صریح در دسترس مردم، سرمایه‌داری به بدترین عناصر مردم امتیاز می‌دهد تا به قدرت و کنترل دست یابند. اگر شایسته سالاری است، شایسته سالاری برای افراد حیل‌گر و حیل‌گر، جامعه‌گرا و از هم گسیخته است. در زندگی آمریکایی، توزیع زمین به «شهرک نشینان» سفید پوست، به منظور گسترش هژمونی سرمایه‌داری در سراسر قاره آمریکای شمالی، بدترین‌ها را برای انتقام‌گیری و خونخواهی از گروه‌های مختلف مردم بومی و بومی قدرت می‌داد. و سواست شمالی بر حفظ سطوح بالای تولید خصوصی، ذاتاً به منابعی وابسته بود که توسط آفریقایی‌های برده دار چیده شده و رشد کرده بودند. [16]

در عصر مدرن، از زمان **دات**، سرمایه‌داران نه تنها شرایط را برای ایجاد غیرمستقیم چیزهای باتلاقی و گسترش وحشتناک خود در بقیه جامعه مدنی ایجاد کردند، بلکه فعالانه از تشکل‌های راست، از جناح راست سوسیال دمکرات‌ها حمایت کردند. که به گروه‌های فاشیست و ناسیونالیست‌های راست‌گرای مختلف، که همگی وقف در هم شکستن کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها بودند، تا حدودی ثبات را بدون «بلشویسم» وعده دادند.

سازمان های کارگری در سراسر اروپا در ایالات متحده، رشد کلان توسط صاحبان مشاغل، ملی و منطقه ای، به عنوان ابزاری برای القای وحشت و «انضباط» علیه گروه های داخلی سیاه پوستان و غیر سفیدپوستان که به دنبال تعیین سرنوشت خود بودند، و گروه های کارگری که برای آن رقابت می کردند، حمایت می شد. کرامت و مقداری کنترل بر زندگی خود. [17]

دات می نویسد، در ایتالیا، ارتش خود نیروهای موسولینی را آموزش داد و کنارگیری کرد، زیرا همان نیروها در سالن های کارگری حزب سوسیالیست و مراکز اجتماعی غوغا کردند. در حالی که کمونیست ها تهدید می کردند که دموکراسی را به آلمان می آورند، سرمایه داران آلمانی و متحدان آنها در خارج از کشور مشتاقانه حزب نازی را حمایت کردند. او توضیح داد: «وجود نامحدود، نه تنها از بورژوازی آلمان، بلکه از منابع بورژوازی خارجی نیز به خزانه ناسیونال سوسیالیست ریخته شد». [18]

یکی از حامیان اصلی **ترامپ**، **ایلان ماسک**، میلیاردری است که قادر به کسب ثروت و قدرت در دوران "عادی" تحت سرمایه داری است. [19] اکنون، او از همین ثروت و نفوذ برای انتشار اطلاعات نادرست و سخنان نفرت انگیز، یادآور دهه 1920، از طریق رسانه های اجتماعی استفاده می کند، و همچنین حمایت خود را پشت سر کسی نفرت انگیز و گیج کننده مانند ترامپ، میلیاردر است، که این کار شجاعانه را انجام داده است. عدم پرداخت حقوق کارگران و ارث بردن از پول پدرش. [20]

اما قبل از اینکه **ترامپ** به شخصیتی که به طور فزاینده ای کینه توز تبدیل شود، به طرز ناراحت کننده ای در کنار ماسک، طبقه سیاسی اعم از دموکرات و جمهوری خواه «میان رو» از او حمایت کردند و به او اجازه دادند که ثروت و کنترل خود را افزایش دهد. [21] در حالی که خانواده های سیاه پوست و قهوه ای طبقه کارگر در دهه 90 از هم پاشیدند، ترامپ به خاطر طرح های برنندسازی اش مورد تشویق قرار گرفت. [22] درست همانطور که دیگران توسط هواپیماهای بدون سرنشین مورد اصابت قرار می گرفتند، ترامپ، با وجود اینکه تحقیر شده بود، به ناهار و رویدادهای عمومی بزرگ دعوت شد، علی رغم سابقه اش در این که یک شرور بدنام بود. [23]

فرا تر از خود ترامپ یا ترامپیسیم، ایده های سخیف مختلفی که از پلتفرم او تشکیل شده است، مانند نفرت شدید او از مهاجران از آمریکای لاتین، چین و بخش هایی از آفریقا (در اصل، کل جهان غیر سفید)، پروژه های حیوان خانگی در میان میلیاردرها بوده است. دهه ها. [24] **جان تانتون**، یکی از "حامیان" پیشرو علیه مهاجرت از به اصطلاح جهان سوم، که در ترس از تغییرات "دموگرافیک" در ایالات متحده غوطه ور بود، موفق شد انجیل مسموم خود را با کمک خیرینی مانند کوردلیا اسکیف می منتشر کند. بخشی از شهرت ملون ثروتمند کارنگی ملون. [25] با حمایت می، تانتون شبکه کوچکی از اندیشکده ها و سازمان های غیرانتفاعی را تأسیس کرد که در دهه های آینده، به قوی ترین حامیان اصلی محدودیت مهاجرت از اوایل قرن نوزدهم تبدیل می شوند - یک جزء کلیدی در ماشین های

ایدئولوژیک طبقه حاکم، استثمار و ظلم، خطوط: چگونه بومی گرایی حق را تقویت می کند. [26] به همان اندازه که شرکت‌ها خود را همدل یا تا حدودی به جنبه‌های عدالت اجتماعی می‌شناسند (حداقل در برخی از لفاظی‌ها)، به راحتی با دولت امنیتی موجود همسو می‌شوند، زیرا در خدمت آزار، ارباب و کاستن وحشت و ترس توده‌ای در میان سیامپوستان است. و طبقه کارگر قهوه‌ای و مهاجران فقیر. **اوکانر** توضیح می‌دهد: «در واقع، برندها و صنعت خصوصی در نمایشگاه امنیت مرزی جای افتخار داشتند. یکی از شرکت‌های تابعه بزرگترین پیمانکار خصوصی دفاعی اسرائیل، و همچنین تعداد انگشت شماری از شرکت‌های فناوری اطلاعات با شعارهای تهاجمی مانند "همیشه هوشیار" (CACI)، "ایمن سازی آینده" (ManTech) و «Securing Your Tomorrow» [27]» (Unisys).

نهادهای شرکتی ائتلافی، مانند شورای تبادل قانونگذاری آمریکا (ALEC)، که شامل شرکت‌هایی مانند آمازون و جانسون و جانسون در میان دیگر شرکت‌های سنگین وزن است، صرفاً برای تأثیرگذاری بر سیاستمداران، توسعه شبکه‌های اتاق‌های فکر و ریختن پول به فضاهاى نجومى وجود دارد. گروه‌های زمینی هر کاری که ممکن است انجام دهند تا هر شکلی از قوانین مترقی که زندگی کارگران و گروه‌های مختلف به حاشیه رانده شده را بهبود بخشد، متوقف کنند. [28] چنین سازمان‌هایی در نهایت پادتن‌های طبیعی یک سیستم سیاسی سالم، کارگران رادیکال شده و چپ را که می‌تواند به عنوان سنگری در برابر فاشیسم بازدارنده باشد، کاهش می‌دهد. علیرغم اینکه ALEC به طور کلی پایین است، اخیراً به دلیل ترویج سیاست‌های حقوق اسلحه مانند قانون *Stand Your Ground* در مرکز پرونده تیراندازی *Trayvon Martin* در فلوریدا و همچنین مورد بررسی قرار گرفته است.

آنچه به نفع منافع عمومی است، از جمله یک سیستم سیاسی امن و سالم، از ذهن اکثر شرکت‌ها و کسانی که آنها را اداره می‌کنند، دور است، صرف نظر از اینکه چقدر خوب صحبت کرده و بیان می‌کنند.

باشد جلوی دوربین‌ها یک ترامپ، یک ماسک، یک شلدون ادلسون، یک بیل گیتس، یک جف بزوس، یک استیو بنن به طور معمول در مهتاب لغزش خواهند کرد تا زمانی که باتلاق وجود داشته باشد، انبوهی جوشان از تجارت و "عقلان" تجاری و ضد برابری طلبی ضد بشری وجود داشته باشد. زباله، در کمین و جستجوی فرصتی برای شکستن و تسلط.

و هنگامی که تضادهای زندگی تحت هژمونی سرمایه‌داری گسترش یابد، چنین نیروهایی به اتحاد علیه هر شکلی از کار مشروع و مؤثر و تحریک عدالت محور ادامه خواهند داد. آن‌ها ترجیح می‌دهند دنیا را ببینند که در حال سوختن است تا اینکه اجازه دهند کسی بتواند زندگی بیداری خود را کنترل کند.

کمونیسم نظم و صلح است

کمونیسم در تضاد کامل با هرج و مرج و فقدان کنترلی است که اکثر مردم در حالی که از چرخه معیوب رونق و رکود در یک سیستم سرمایه داری جان سالم به در می برند، تحمل می کنند. تحت نظام سرمایه داری، ناکارآمدی و بی نظمی اجتماعی یک هنجار است، به طور فزاینده ای. این بدان معنا نیست که به نحوی همه مسائل اجتماعی یا در هر زمان، نظم اجتماعی، در دنیای سوسیالیستی وجود خواهد داشت. همچنان تنش بین مردم وجود خواهد داشت، مسائل متضاد نیز. اما آنچه در مورد یک جهان سوسیالیستی در مقایسه با یک جهان سرمایه داری که در حال حاضر داریم، که محصول حکومت امپراتوری ایالات متحده است، بسیار متفاوت است، این است که چنین بی نظمی و ناکارآمدی به شدت محدود شده است، و از آنجایی که هدف اصلی یک جامعه سوسیالیستی در سطح بین المللی است، بهتر قابل حل است. هدفی است که به رفاه عمومی نسبت به امیال خودخواهانه خصوصی امتیاز می دهد و به آنها انگیزه می دهد، به ویژه هر آن چیزی که به انگیزه سود وابسته است که ما را به این ورطه کشانده است. ما در حال حاضر تجربه می کنیم

دات اظهار داشت: «دیکتاتوری کارگری تنها بدیل دیکتاتوری سرمایه داری است که در حال حاضر به طور فزاینده ای از شکل های قدیمی تر «دمکراتیک» به فاشیستی می گذرد».[30] صلح و امنیت، نظم اجتماعی و عدالت تنها زمانی حاصل می شود که سیستمی وجود داشته باشد که اجازه نمی دهد ثروت با قدرت سیاسی و نفوذ افسارگسیخته یکسان شود. نظم و صلح آزاد می شود و اجازه رشد پیدا می کند، زمانی که کالاها و خدمات مدیریت شوند، نه برای منافع شخصی، بلکه بیشتر برای رفاه عمومی. در یک جامعه سوسیالیستی، مردم هنوز نیاز به کار دارند، اما وقتی این کار را انجام دهند، برای هیچ کار فرمای خصوصی مناسب نیست. در عوض، برای کمک به تامین نیازها و خواسته های عموم مردم انجام می شود. مسکن، مراقبت های بهداشتی، آموزش، سرگرمی، و غذا، از جمله موارد اساسی دیگری که زندگی را ارزشمند می سازد، توسط نهادهای دولتی، مؤسساتی که شفاف هستند و سطح بالاتری از ورودی های کارگران دارند، و جوامعی که به طور تاریخی آواره شده اند، مدیریت و توزیع می شوند. و محروم شده اند. اساساً برای جلوگیری از لغزش جهان در چنگال هرج و مرج سیاسی و اقتصادی، طبقه سرمایه دار نمی تواند وجود داشته باشد. هیچ به اصطلاح «بازار آزاد» نمی تواند مسئول نحوه دسترسی مردم به امکانات اولیه باشد. رژیم امپراتوری ایالات متحده، که کارهای زیادی برای توزیع مجدد زمین و منابع برای خود و متحدانش در سرتاسر جهان انجام داده است، باید برچیده شود و جای خود را به نظم جهانی از دولت ها بدهد که به دنبال راه حل های مشترک و سلامتی برای اکثریت جهان، به ویژه برای کسانی که به دلیل ظهور رژیم جهانی ایالات متحده، اغلب به یک زندگی پر از تحقیر و ناکارآمدی محکوم شده اند.[31]

سوسیالیسم مارا به عنوان یک انسان به خودمان نزدیک میکند، نه به عنوان هیولاهای سودجو، که گاه به دلیل انگیزه نهفته سرمایه داری برای نابود کردن خود و دیگران مجبور می شوند. ترامپ همامطناً هنوز در یک جامعه سوسیالیستی خود را نشان خواهند داد، هنر مخالفت هنوز هم هنری است که می تواند به راحتی توسط نیروهای شرور مدعی کثرت گرایی و «دموکراسی» دستکاری شود. اما در دنیای سوسیالیستی که به دنبال ارتقای استثمار شده ها و ستم شدگان تاریخی است، با حمایت دولت هایی که خستگی ناپذیر برای تنظیم جامعه به شیوه هایی که به نفع اکثریت این گروه ها باشد، کمک می کنند، نه تنها جناح راست در اقلیت کوچکی باقی خواهند ماند، بلکه اگر شروع کنند. جوشیدن و حباب زدن، هیچ متحدی در نهادهای عالی مدیریت و حاکمیت پیدا نخواهد کرد. در عوض، آنها فقط آنچه را که ما امروز تجربه می کنیم، پیدا خواهند کرد، سرکوب و اولویت دادن به سیاست های عمومی مثبتی که برای ستم دیدگان و استثمار شدگان ارزش قائل است، که شامل حق ما برای کنترل عناصری است که ما را تهدید می کنند.

هنگامی که خوش بینی و بدبینی با هم برخورد کردند، دات اظهار داشت: «تنها انقلاب طبقه کارگر می تواند بشریت را نجات دهد، می تواند بشریت را به پیش ببرد، می تواند قدرت های عظیم تولیدی را که آماده دستیابی است سازماندهی کند.» [32]

نمونه هایی از این آینده را می توانیم در کشورهایمانند کوبا که در آن ها با وجود تحریم های بی رحمانه ایالات متحده، مراقبت های بهداشتی یک حق باقی مانده است، مشاهده کنیم. [33] یا در مکان هایی مانند ویتنام، کشوری که به دنبال اشغال وحشیانه نیروهای فرانسوی و آمریکایی، تقریباً به طور معجزه آسایی خود را بازسازی کرد. [34] چین نیز علیرغم برخی از ایراداتش، اشکالی از تفکر سیاسی را نشان می دهد که می تواند برای بقیه کره زمین مفید باشد. زمانی که کووید-19 به واقعیت تبدیل شد، این دولت چین بود که به سرعت توده ها را به ساختن بیمارستان پشت سر هم برای مراقبت از خود هدایت کرد. [35]

در آمریکا نیز لحظات زودگذری وجود داشته است، اما لحظاتی از آنچه ممکن است وجود داشته باشد. روزهای اولیه دوران بازسازی، به عنوان W.E.D. دوبوآ در کتاب بازسازی سیاه پوست کلاسیک خود مورد بررسی قرار گرفت و دید که دولت فدرال، برای اولین بار در تاریخ ایالات متحده، در ایجاد برنامه ها و مؤسسات دولتی که می توانند آموزش ابتدایی و مراقبت های بهداشتی را برای توده ها، سیاه و سفید، و در عین حال داشتن نیرو، فراهم کنند، دست به کار شد. مستقر در سراسر کنفدراسیون برای خفه کردن شورش های برتری طلبانه سفیدپوست و کودتا. [36] تنها زمانی که دولت فدرال از این اهداف اعلام شده عقب نشینی کرد، باندهای برتری طلب سفیدپوست قدرت سیاسی را به دست گرفتند و تسخیر کردند.

اما کاری که انجام شد دوباره قابل انجام است . به هر حال چاره دیگری وجود ندارد . همانطور که **دات** می گوید، یا ما «به اوج وظیفه خود می رسیم»، یافتن راه هایی برای ایجاد جنبش های اجتماعی است که می تواند نظم و ثباتی را ایجاد کند که مردم آرزو دارند و به آن نیاز دارند، یا شاهد واگذاری کامل و هرج و مرج هستیم. هنوز هیچ چیز روی سنگ ساخته نشده است. حداقل هنوز آب از بالای سر ما بالا نیامده است. اما هر کاری که ما انتخاب می کنیم باید انجام شود، خیلی خیلی زود. تا زمانی که سرمایه دار و استعمارگر غلبه نکنند، نظم و آرامش و امنیت وجود نخواهد داشت

NOTE

1. Merlyn Thomas & Mike Wendling, "Trump repeats baseless claim about Haitian immigrants eating pets," *BBC News*, Sept. 2024, <https://www.bbc.com/news/articles/c77128myezko>. ↑
2. Rasha Khatib, et. al, "Counting the dead in Gaza: difficult but essential," *The Lancet*, July 10, 2024, [https://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736\(24\)01169-3/fulltext](https://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS0140-6736(24)01169-3/fulltext). ↑
3. R. Palme Dutt, *Fascism & Social Revolution* (New York: International Publishing Co., 1934), 64. ↑
4. Mike Davis, *Late Victorian Holocausts* (New York: Verso, 2002). ↑
5. Christopher D. Cook, "Farmers are destroying mountains of food. Here's what to do about it," *The Guardian*, May 7 2020, <https://www.theguardian.com/commentisfree/2020/may/07/farmers-food-covid-19>. ↑
6. Keith Bradsher & Andrew Martin, "U.S. in Difficult Position Over Japan's Rice Plan," *New York Times*, May 23, 2008, <https://www.nytimes.com/2008/05/23/business/worldbusiness/23rice.html>. ↑
7. Dutt, 68. ↑
8. Dutt, *Fascism & Social Revolution*. ↑
9. Sharon Zhang, "Prescription Drugs in US Are Quadruple What They Cost Elsewhere, Report Finds," *Truthout*, April 21, 2021, https://truthout.org/articles/prescription-drugs-in-u-s-are-quadruple-what-they-cost-elsewhere-report-finds/?gad_source=1&gclid=CjwKCAiA65m7BhAwEiwAAgu4JHAE9XUZPidG3m1RSVgDXL1XYekvJptgBSD5C58J0r2Cv9NnbEPhoC6tAQAvD_BwE. ↑
10. Ben Popken, "With rise in patients dying from rationing insulin, U.N. tries a new solution," *NBC News*, Nov. 15, 2019, <https://www.nbcnews.com/business/business-news/rise-patients-dying-rationing-insulin-u-n-tries-new-solution-n1083816>. ↑

11. Richard Wolff, "Capitalism and Unemployment," *Truthout*, Nov. 15, 2013, <https://truthout.org/articles/capitalism-and-unemployment/>. ↑
12. Dutt, 44. ↑
13. "Crop Changes," *National Geographic*, <https://www.nationalgeographic.com/climate-change/how-to-live-with-it/crops.html>. ↑
14. Robin D.G. Kelley, *Hammer and Hoe* (Chapel Hill: The University of North Carolina Press, 1990). ↑
15. Lee Drutman, "How Corporate Lobbyists Conquered American Democracy," *The Atlantic*, April 20, 2015, <https://www.theatlantic.com/business/archive/2015/04/how-corporate-lobbyists-conquered-american-democracy/390822/>. ↑
16. Greg Grandin, *The End of the Myth: From the Frontier to the Border Wall in the Mind of America* (New York: MacMillan, 2020). ↑
17. Linda Gordon, *The Second Coming of the KKK* (New York: W.W. Norton, 2018). ↑
18. Dutt, 139. ↑
19. Maggie Haberman, et. al, "How Elon Musk Has Planted Himself Almost Literally at Trump's Doorstep," *New York Times*, Dec. 30, 2024, <https://www.nytimes.com/2024/12/30/us/politics/elon-musk-trump-mar-a-lago.html>. ↑
20. David Barstow, "Trump Engaged in Suspect Tax Schemes as He Reaped Riches From His Father," *New York Times*, Oct. 2, 2018, <https://www.nytimes.com/interactive/2018/10/02/us/politics/donald-trump-tax-schemes-fred-trump.html>. ↑
21. Maureen Dowd, "When Hillary and Donald Were Friends," *New York Times*, Nov. 2, 2016, <https://www.nytimes.com/2016/11/06/magazine/when-hillary-and-donald-were-friends.html>. ↑
22. Lisette Voytko-Best, "Judge Rules Trump Can Be Sued For Marketing Scheme Fraud," *Forbes*, July 26, 2019, <https://www.forbes.com/sites/lisettevoytko/2019/07/25/judge-rules-trump-can-be-sued-for-marketing-scheme-fraud/>. ↑
23. Shawn McCreesh, "Trump Among New York's Elites at a Charity Dinner: It Got Awkward," *New York Times*, Oct. 18, 2024, <https://www.nytimes.com/2024/10/18/us/elections/donald-trump-al-smith-dinner-new-york.html>. ↑
24. Christine Ro, "Why African Groups Want Reparations From The Gates Foundation," *Forbes*, Sept. 2, 2024, <https://www.forbes.com/sites/christinero/2024/09/02/why-african-groups-want-reparations-from-the-gates-foundation/>. ↑
25. Nicholas Kulish & Mike McIntire, "Why an Heiress Spent Her Fortune Trying to Keep Immigrants Out," *New York Times*, August 14, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/08/14/us/anti-immigration-cordelia-scaife-may.html>. ↑

26. Brendan O'Connor, *Blood Red Lines: How Nativism Fuels the Right* (New York: Haymarket, 2021), 29. ↑
27. Brendan O'Connor, 175. ↑
28. Alex SeitzWald, "Revealed: Full List of ALEC's Corporate Members," *Truthout*, May 5, 2012, https://truthout.org/articles/revealed-full-list-of-alecs-corporate-members/?gad_source=1&gclid=Cj0KCQiA1Km7BhC9ARIsAFZfEJufx4FOoy_3vNZHfBMnvL2x7OEGtWbVauJtxl46Oc2GgUqhsUP8h30aAkgBEALw_wcB. ↑
29. Mike McIntire, "Conservative Nonprofit Acts as a Stealth Business Lobbyist," *New York Times*, April 21, 2012, <https://www.nytimes.com/2012/04/22/us/alec-a-tax-exempt-group-mixes-legislators-and-lobbyists.html>. ↑
30. Dutt, 306. ↑
31. "Hugo Chavez Harshly Criticizes Bush at U.N.," *NPR*, Sept. 20, 2006, <https://www.npr.org/2006/09/20/6111080/hugo-chavez-harshly-criticizes-bush-at-u-n>. ↑
32. Dutt, 309. ↑
33. David Blumenthal, "Fidel Castro's Health Care Legacy," *The Commonwealth Fund*, Nov. 26, 2016, <https://www.commonwealthfund.org/blog/2016/fidel-castros-health-care-legacy>. ↑
34. "Viet Nam's Economy is Forecast to Grow 6.1% in 2024: WB", *World Bank*, August 26, 2024, <https://www.worldbank.org/en/news/press-release/2024/08/26/viet-nam-s-economy-is-forecast-to-grow-6-1-in-2024-wb>. ↑
35. Yuliya Talmazan, "China's coronavirus hospital built in 10 days opens its doors, state media says," *NBC News*, Feb. 3, 2020, <https://www.nbcnews.com/news/world/china-s-coronavirus-hospital-built-10-days-opens-its-doors-n1128531>. ↑
36. W.E.B. Du Bois, *Black Reconstruction in America 1860-1880* (New York: The Free Press, 1935). ↑

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :

luesky یک سرویس رسانه اجتماعی میکرو بلاگینگ مشابه X (توییتر سابق) است. کاربران می توانند پست های کوتاه حاوی متن، تصاویر و ویدئو را به اشتراک بگذارند. این شرکت متعلق به **Bluesky Social PBC** ، یک شرکت سودآور مستقر در ایالات متحده است.

----- **با تقدیم احترامات «2025-01-27»**

.....